



# شکار سببولا

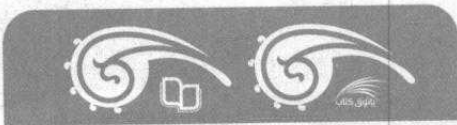
محمد

سرشار

www.ketab.ir



نشر صفار



سرشناسه: سرشار، محمد، ۱۳۶ - عنوان و نام پدیدآور: شکار هیولا/ محمد سرشار؛ ویراستار محمدرضا سرشار. مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸. مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۶۶۶-۲ وضعیت فهرست نویسی: فیپا موضوع: آر-کیو، ۱۷۰- تیتل (پهپاد) -- داستان موضوع: Fiction IY-RQ -- Sentinel (Drone aircraft) -- موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ موضوع: ۲۰th century -- Persian fiction -- موضوع: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف رده بندی یگه: PIR۸۹۵ رده بندی دیویی: ۲۶/۳۶ شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۸۶۴۴



## کار هیولا

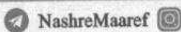
- نویسنده: محمد سرشار، ویراستار: محمدرضا سرشار
- طراح جلد: شفیع آه
- صفحه‌آرا: سیدمهدی حسینی
- ناشر: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها)
- نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۶۶۶-۲
- قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

دفتر نشر معارف، قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۲، تلفن و نمایان: ۰۲۵-۳۴۰۰۰۰۰۰

مدیریت پخش قم، شرکت پاتوق کتاب، تلفکس: ۰۲۵-۳۴۰۰۰۰۰۰

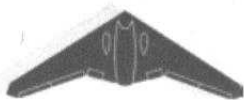
اطلاع از نمایندگی‌های سراسر کشور در سایت دفتر نشر معارف

www.nashremaaref.ir • E-mail: info@nashremaaref.ir



کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.





## فهرست

- ۷ ○ یادداشت اختصاصی آقای آرکیو ۱۷ برای خوانندگان
- ۹ ○ مقدمه
- ۱۳ ○ آسمان آبی قندهار
- ۳۱ ○ مأموریت شکستن شیشه عمر شیطان
- ۵۵ ○ شکار هیولا
- ۶۷ ○ مقاومت زیر شکنجه
- ۸۵ ○ فرار از چنگال دشمن
- ۱۱۱ ○ تکه گمشده زندگی
- ۱۴۵ ○ بازگشت به خانه
- ۱۶۵ ○ عکس‌ها



## مقدمه

بدون شک نگرش کتابی که پیش روی شماست، یکی از سخت‌ترین کتاب‌های تاریخ جاسوسی ایران بوده است.

هرچند این کتاب مربوط به خاطرات آقای «سنتینل آرکیو» ۱۷ لاکهید مارتین» در دوران مأموریتش در کشور افغانستان و سپس ماجراهای مربوط به مأموریت فوق‌سری‌اش در جاسوسی‌ها، تأسیسات هسته‌ای ایران است اما زندگی او پس از این ماجرا هم بسیار پربار و تکان‌دهنده بوده است.

آرکیو ۱۷ پس از بازگشت به ایالات متحده آمریکا، سخت‌ترین بازجویی‌های سازمان سیا و سازمان اطلاعات ارتش آمریکا را تحمل کرد تا ثابت کند در عملیات‌های پیچیده وزارت اطلاعات ایران به جاسوس ایران تبدیل نشده است. نهایتاً نیز با فشار خانواده پرنفوذ «لاکهید مارتین» سازمان سیا به شرطی با استعفای آرکیو ۱۷ از سیا موافقت کرد که حافظه او طی فرآیند پنج لایه کاملاً پاک شود و حسگرها و اندام حساس بدنش، جدا گردند. در واقع سیا برای اینکه تحت فشار خانواده پرنفوذ لاکهید مارتین نمی‌توانست جاسوس ارشد خودش را بکشد، شرایطی را تعیین کرد تا با عمیق‌ترین شستشوی مغزی ممکن، عملاً جسم نیمه‌جان او از سیا خارج شود.

این دستکاری‌های گسترده نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، شوک‌های الکتریکی بسیار قوی و جراحی‌های گسترده برای برداشتن اندام‌های حساس بدن، آرکیو ۱۷ را به حال مرگ انداخت و اگر مراقبت‌های همسر دلسوزش خانم اسپوکی و مهارت مهندسان ایرانی در پیوندهای موفق اندام بدنش نبود، قطعاً آرکیو ۱۷ زنده نمی‌ماند تا من بتوانم خاطراتش را تدوین کنم و پیش روی شما بگذارم.

در یکی از دیدارهایی که در شهر «زاریا»ی کشور نیجریه برای ضبط این خاطرات داشتیم، خانم اسپوکی گفت: هرچند خودم فرزندی ندارم اما زنی بودم که پیش شوهرم مادری کرده‌ام.

اما این، همه ماجرا نبود. پس از مهاجرت آرکیو ۱۷ و همسرش به آفریقا، «آژانس امنیت ملی» آمریکا ایشان را به عنوان یکی از اهداف سطح قرمز سیستم هوشمند جاسوسی «ئیلون»<sup>۱</sup> در سطح جهان نشان‌گذاری کرد. به‌گونه‌ای که هر تماس تلفنی، پستی یا اینترنتی با ایشان، فرد تماس‌گیرنده را به فهرست افراد پرخطر برای ایالات متحده می‌افزود.

من وقتی متوجه این ماجرا شدم که نخستین ایمیل به ایشان هرگز به دستش نرسید و در عرض دو ساعت، همه اطلاعات استاپ شخصی‌ام توسط هکرهای وابسته به سیا، دزدیده شد. باید اعتراف کنم اگر تک ارتش سایبری ایران و حمایت‌های بعدی آنها از من در مقابل هکرهای سیا نبود، نگارش این کتاب ممکن نمی‌شد.

اما دشواری اصلی ثبت خاطرات آرکیو ۱۷ در این بود که ایشان همه حافظه خود را در پنج لایه از دست داده بود و من، تدوینگر خاطرات کسی بودم که هیچ چیز را تا لحظه خروجش از آمریکا، به یاد نداشت!

1. NSA: National Security Agency.

2. Echelon.

در واقع فرمان سرّی باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، برای حذف همه این ماجرا از حافظه دیجیتال جهان، مسأله را برای من به عنوان پژوهشگر تاریخ، بسیار پیچیده کرده بود و به جز منابع چاپی که از دسترس نیروهای امنیتی آمریکا به دور مانده بود و اطلاعاتی که برخی از نیروهای پایگاه سرّی هوافضای شیراز در اختیارم گذاشتند، چیز دیگری در دست نداشتم.

در اینجا باید از فرمانده وقت نیروی هوافضای سپاه تشکر کنم که پس از درخواست نگارنده، به آرشیو طبقه‌بندی‌شده این نیرو دستور داد یک نسخه از حافظه آرکیو ۱۷ را که من می‌خواهم، به او هدیه دهند. بدین ترتیب آقای سنتینل آرکیو ۱۷ لاکهید آرتین هم خاطراتش را از کودکی تا لحظه خروج از ایران باز یافت.

آشنایی آرکیو ۱۷ با زبان فارسی که بزرگی به من در مصاحبه‌های شفاهی بود. اما استفاده بسیار زیاد ایشا از اصطلاحات تخصصی هوانوردی، نظامی و جاسوسی، موجب شده علی‌رغم اهتمام من شده به پاسداشت زبان فارسی، از واژه‌های انگلیسی در این کتاب زیاد استفاده شود که بابت آن، پیشاپیش از خوانندگان عزیز عذرخواهی می‌کنم.

محمد سرشار